

سیره امام حسین علیه السلام در تربیت فرزندان

حجت الاسلام والمسلمین علی رضا انصاری*

اشاره

تربیت از اساسی ترین نیازهای بشر است و زندگی، از گهواره تا گور، جلوه‌ای از آن است. انسان تنها در پرتو تربیت صحیح و روشمند است که به اهداف و آرمان‌های خود دست پیدا کرده، قلّه رفیع سعادت را فتح می‌کند. از این رهگذر است که در جوامع، برای تربیت فرزندان سرمایه‌گذاری‌های کلان صورت می‌گیرد؛ زیرا فتح قله‌های موفقیت با تربیت آینده‌سازان یک جامعه صورت می‌گیرد.

فرزند انسان نتیجه آرزوهای او است؛ زیرا فرزند ثمره حیات است؛ از این رو باید به تربیت صحیح آراسته گردد. این مهم محقق نمی‌شود مگر اینکه فرزند با آداب نیکو تربیت شود. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُعْفَرُوا لَكُمْ؛ فرزند خود را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید تا آمرزیده شوید»^۱. بر اساس این، بهترین چیزی که انسان برای فرزندان خویش به ارث می‌گذارد،

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵.

تربیت و ادب نیکو است، نه مال و ثروت؛ چنان‌که علی علیه السلام فرمود: «خَيْرُ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ؛ بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به میراث می‌گذارند، ادب است».^۱

انجام این وظیفه بدون تکیه بر دیدگاه‌های رهبران الهی و رفتار آنان ممکن نیست. ما باور داریم که امامان علیهم السلام در همه ابعاد تربیتی، الگوهای موفق بوده‌اند و تکیه بر دیدگاه‌ها و رفتارهای تربیتی آنان بهترین شیوه تربیت فرزندان است. در این نوشتار سیره و گفتار امام حسین علیه السلام درباره تربیت فرزندان را بررسی می‌کنیم.

۱. زمینه‌سازی

یکی از روش‌های تربیت، زمینه‌سازی آن است؛ یعنی در آموزه‌های دینی نه‌تنها تربیت فرزندان از لحظه تولد شروع می‌شود، بلکه زمینه‌های تربیت و شرایط آن قبل از انعقاد نطفه آغاز می‌گردد. از این رو بایسته است شرایط و زمینه تربیت فرزند قبل از انعقاد نطفه فراهم شود و بعد از تولد نیز ادامه یابد. در اسلام سفارش شده است هنگام ازدواج دو رکعت نماز بخوانیم: «مَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ التَّرْوِيحَ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ؛ هر کس می‌خواهد ازدواج بکند اول دو رکعت نماز بخواند».^۲

امام حسین علیه السلام خطاب به اصحابش فرمود: «اجْتَنِبُوا الْغُشْيَانَ فِي اللَّيْلَةِ الَّتِي تُرِيدُونَ فِيهَا السَّفَرَ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ ثُمَّ رَزِقَ وَلَدًا كَانَ أَحْوَلًا؛ از هم‌بستر شدن با همسرانتان در شبی که قصد مسافرت دارید بپرهیزید؛ (زیرا) اگر در اثر آن فرزندی روزی شود، احول (لوچ) خواهد بود».^۳

۱. تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ح ۵۰۳۶.

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۸.

۳. همان، ص ۲۹۳.

داده‌های علمی نیز بر این امر دلالت دارد. یکی از پزشکان اروپا آمار جامعی از نطفه‌هایی که در اول سال مسیحی منعقد می‌شود را منتشر کرده است. به‌طور کلی هشتاد درصد اشخاص ناقص الخلقه و معلول محصول شب اول ژانویه‌اند؛ زیرا در این شب مسیحیان عید بزرگی دارند و به عیش و نوش پرداخته و غالباً به‌قدری مشروب می‌خورند و در عیاشی مبالغه می‌کنند که مریض می‌شوند. در این شب رستوران‌ها مشتری بیشتری دارند و نمی‌توانند مانند شب‌های دیگر به مشتریان خود غذای سالم بدهند.^۱

۲. نام‌گذاری

یکی از حقوق فرزندان بر والدین، انتخاب نام پسندیده است؛ زیرا روح کودک از آغاز تولد، با نام خودش خو می‌گیرد و چه‌بسا اولین الفاظی که بر زبان می‌راند، نام خودش است. از سوی دیگر انتخاب نام نیک یا بد، نشان‌دهنده معیار ارزش‌ها در خانواده است، زیرا هر کس مایل است بر فرزندش، زیباترین نام را که برای او قداست دارد، انتخاب کند و صاحب آن نام سنبلی و الگو و معیار ارزش‌ها در خانواده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «إِذَا سَمَّيْتُمُ الْوَلَدَ مُحَمَّدًا فَأَكْرَمُوهُ وَأَوْسَعُوا لَهُ فِي الْمَجَالِسِ؛ هنگامی که فرزندان را محمد نامیدید او را اکرام کنید و در مجالس برای او جا باز کنید و روی بر او ترش ننمایید».^۲ همچنین هر مقدار علاقه و محبت انسان به شخصی بیشتر باشد، اشتیاق بیشتری دارد که همیشه یاد و خاطرات او زنده بماند؛ از این رو است که امام حسین علیه السلام اسم برخی فرزندان را علی گذاشت، تا علاوه بر ابراز شدت علاقه خود به پدر، نام او را در خاطره‌ها زنده نگه دارد.

۱. محمدتقی فلسفی، کودک، ج ۱، ص ۹۵.

۲. صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص ۴۴.

معاویه، مروان بن حکم را کارگزار و فرماندار مدینه قرار داد و به وی دستور داد برای جوانان مدینه جایزه‌ای بپردازد. مروان این کار را کرد. حضرت امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: هنگامی که من نزد مروان رفتم گفتم: نام تو چیست؟ گفتم: علی بن الحسین گفتم: نام برادرت چیست؟ گفتم: علی. مروان گفتم: چه خبر است! علی علی؟ به چه جهت پدرت نام کلیه فرزندان خود را علی می‌گذارد! سپس جایزه‌ای به من داد و من نزد پدرم بازگشتم و جریان را برای ایشان شرح دادم. پدرم فرمود: وای بر پسر زن کبود چشم دباغ‌باد! اگر برای من صد پسر متولد شود دوست دارم نام آنان را علی بگذارم.^۱

گفتنی است که انتخاب نام مناسب برای فرزندان نشانه فرهنگ والدین است؛ اما واقعیت این است که چشم‌وهم‌چشمی و مدگرایی مدت‌هاست به حیطه فرزندپروری نیز ورود پیدا کرده است.

امروزه برخی پدران و مادران به جای اندیشیدن به بار ارزشی و تأثیر روانی نام در آینده و مناسبات زندگی فرزندان، به استثنایی بودن آن می‌اندیشند و گاه از اینکه در میان همسالان، همان‌فرزندشان یافت نشود، تفاخر می‌کنند. نفوذ فرهنگ غرب و شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره‌ای در سال‌های اخیر نیز باعث شده تا نام‌های شخصیت‌های سریال‌های تلویزیونی مورد توجه مردم قرار گرفته و فراوانی پیدا کند. اگر نگاهی به نام‌های کودکان بیندازیم خواهیم دید که بسیاری از اسم‌ها رنگ و لعاب غربی دارند.

آقای قرائتی می‌گوید در زیمباوه آفریقا بودم. یک زن و شوهر شیعه بودند، رفتم اینها را پیدا کردم. مغازه‌اش بسته بود. مسلمان زیاد بودند، منتها شیعه یک زن و

۱. شیخ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۹.

شوهر بودند. آدرس گرفتیم و رفتیم او را پیدا کردیم. گفتیم: شما یک زن و شوهر شیعه در یک کشور غریب چه می کنید؟ اسم بچه هایتان چیست؟ گفت: صادق، باقر، کاظم. گفتیم: بارک الله! او در آفریقا اسم امام را زنده می کند و امام صادق و کاظم می گذارد. متأسفانه بعضی از شیعه ها اسم بچه شان را یک چیزی می گذارند که میلیانی. می گوئیم: میلیانی یعنی چه؟ گفت: یک تیغی است در آفریقا. آفریقا اسم امام صادق را می گذارد، این اسم تیغ های آفریقا.^۱

در اسلام تأکید شده است اسامی مذهبی را برای فرزندان خود انتخاب کنید؛ زیرا فرزند هم در دنیا و هم در آخرت با این اسم خوانده می شود. پیامبر خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَا يَنْحَلُّ أَحَدُكُمْ وَلَدَهُ الْإِسْمُ الْحَسَنُ فَلْيُحَسِّنْ أَحَدَكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ؛ نخستین چیزی که هر یک از شما به فرزندش پیشکش می کند نام نیکوست؛ بنابراین هر کدام از شما نامی نیکو بر فرزند خویش نهد».^۲ ایشان فرمود: «اسْتَحْسِنُوا أَسْمَاءَ كُمْ فَإِنَّكُمْ تُدْعَوْنَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُمْ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ إِلَى نُورِكَ وَ قُمْ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ لَا نُورَ لَكَ؛ نام های نیکو بر خود نهد؛ زیرا در روز قیامت شما را به نام صدا می زنند [و می گویند]: فلان پسر فلان! برخیز به سوی نور خود برو، و فلان پسر فلان برخیز که نوری نداری».^۳

۳. اهتمام به آموزش معارف دینی و قرآن

قرآن در تربیت دینی جایگاهی بس عظیم دارد؛ به همین دلیل آموزش قرآن در دوران کودکی و نوجوانی اهمیت زیادی دارد. ابن سینا نیز در این رابطه گفته است: «هرگاه کودک آماده تلقین و آموزش قرآن گردید، و گوشش استعداد

1. <http://gharaati.ir/show.php?page=darsha&id=2225>

۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۱۳۰.

۳. شیخ کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۱۹.

شنیدن و آمادگی پذیرش آن را پیدا کرد، باید تعلیم قرآن به او شروع شود و حروف الفبا و آگاهی های دینی به او تفهیم گردد»^۱.

باید از همان ابتدای کودکی و نوجوانی قرآن را به فرزندان آموخت تا اینکه قبل از هر چیز روح قرآن در قلبشان نفوذ کند. همچنین باید از آغاز کودکی عقاید دینی و احکام قرآن به آنان تلقین شود، تا بر اساس محبت و علاقه به قرآن و برحسب رهنمودها و انجام اوامر و پرهیز از نواهی آن پرورش یابند و پیوسته در دوران جوانی به اخلاق قرآن تمسک جویند. کودکانی که با قرآن مأنوس شده باشند از لحاظ رفتاری با دیگر کودکان تفاوت های بسیاری دارند. خواندن قرآن و درک مفاهیم آن می تواند رفتارهای نامطلوب انسان را از بین ببرد.

علی علیه السلام در آموزش به فرزندش امام حسن علیه السلام نخستین اقدام خود را آموزش قرآن و معارف اسلام بیان می کند: «وَأَنَّ ابْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَايِعِ الْأِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ لَا أُجَاوِزُ بِكَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ؛ نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تأویل آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم و (در آغاز) به چیزی غیر از قرآن نپردازم»^۲.

امام حسین علیه السلام نیز به تعلیم قرآن به فرزندان خود اهمیت می داد تا آنجا که به معلم قرآن فرزندان خویش جایزه داد. شخصی به نام «عبدالرحمان» در مدینه معلم کودکان بود و یکی از فرزندان امام حسین علیه السلام به نام جعفر نزدش آموزش می دید. معلم جمله «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را به جعفر تعلیم داد. هنگامی که

1. www.ravanshena30-islami.

۲. علی احمدی میانجی، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۱، ص ۵۴۰؛ محمد راجی قمی، پندهای پدران به فرزندان، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.

جعفر این جمله را برای پدر قرائت کرد، حضرت، معلم فرزندش را فراخواند و هدیه‌ای گران بها به او داد. وقتی حضرت به سبب پاداش زیاد مورد پرسش قرار گرفت، در جواب فرمود: «وَأَنْتَى تُسَاوَى عَطِيَّتِي هَذَا بِتَعْلِيمِهِ وَلِدِي الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ هدیه من برابر با تعلیم «الحمد لله رب العالمین» است»^۱. البته از دیدگاه اسلام، همراه آموزش قرآن، فراگیری سخنان ائمه علیهم السلام نیز از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا کلام ارزشمند ایشان، تفسیر کننده آیات قرآن است. قرآن و سخنان اهل بیت علیهم السلام مکمل یکدیگرند و یکی بدون دیگری نمی‌تواند درک عمیق در انسان ایجاد کند. زمانی که «فرزدق» در دوران کودکی همراه پدرش به حضور امام علی علیه السلام رسید، امام از پدرش سؤال کرد: «این پسر کیست؟» جواب داد: «او فرزند من است و همام نام دارد». پدر فرزدق در ادامه سخنش گفت: «شعر و کلام عرب را آن چنان به او آموختم که مهارت کامل در این فن دارد».

آن مرد انتظار داشت که فرزندش مورد تشویق امام علیه السلام قرار بگیرد؛ ولی امام علیه السلام که افتخار کودک مسلمان را در فراگیری قرآن می‌دانست فرمود: «اگر قرآن را به او یاد می‌دادی برایش بهتر بود». فرزدق وقتی این سخن امام را شنید به فکر فرو رفت. کلام امام علیه السلام در قلبش نشست و این سخن همیشه در خاطرش ماند. از آن لحظه خودش را مقید کرد تا وقتی قرآن را حفظ نکند آرام ننشیند. چنین نیز کرد و قرآن را کاملاً حفظ نمود.^۲

امروزه برخی از والدین متأسفانه به آشنایی و شناخت فرزندانشان با مفاهیم و مبانی اسلام اهمیت نمی‌دهند در حالی که هزینه‌های فراوانی برای کلاس‌های

۱. سید هشام بحرانی، البرهان، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۱.

آموزش زبان، موسیقی و... صرف می‌کنند.

البته برخی والدین در نهادینه‌سازی تربیت دینی فرزندان فعالیت‌های قابل قبولی انجام می‌دهند؛ چنان‌که امروزه یکی از سنت‌های حسنه، گرفتن جشن تکلیف برای فرزندان است. این جشن در نهادینه‌سازی مفاهیم قرآنی و دستورات اسلام بسیار تأثیرگذار است. سید ابن طاووس، نه‌تنها به سالروز مکلف شدن خود اهمیت می‌دهد، بلکه از آن روز به‌عنوان بزرگ‌ترین عید یاد می‌کند و به فکر می‌افتد تا جشنی برای بالغ شدن فرزند خود ترتیب دهد و از آن روز فراموش‌نشده‌ای تجلیل فراوان به عمل آورد.

وی در نوشته خود از پدران و مادران، چنین گلابه می‌کند: «من تاکنون نشنیده‌ام کسی برای این روز بسیار بزرگ و فراموش‌نشده‌ای ارزشی قائل باشد و حق چنین روزی را ادا کرده باشد و یا برای از دست رفتن چنین روزی، لحظه‌ای غصه خورده باشد. از این‌رو خود و فرزندان و دوستانم را سفارش می‌کنم که حق چنین روزی را ادا کنند و در بزرگ‌داشت و احترام آن بکوشند»^۱.

۴. اظهار محبت

شکی نیست که همه انسان‌ها به فرزندان خود عشق می‌ورزند و آن‌ها را مثل پاره تن خود دوست دارند. علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام مجتبی علیه السلام می‌نویسد: «وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كُلِّي حَتَّى كَأَنَّ شَيْئاً لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَنِي وَ كَأَنَّ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَتَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يُعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي؛ تو را جزئی از خود، بلکه همه وجود خود دیدم تا به آنجایی که اگر چیزی به تو ضرر برساند، مثل آن است که به من زیان رسانده و گویی اگر مرگ به سراغ تو بیاید، به سراغ

۱. محمدجواد مروجی طبسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام، ص ۲۹۴ و ۲۹۶.

من آمده، بنابراین همان اهمتامی را که در اصلاح امور خود می‌نمایم درباره تو دارم»^۱.

بر اساس این باید تربیت عاطفی از خانواده شروع شود؛ زیرا کانون خانواده، بستری مناسب برای تربیت عاطفی فرزندان است. در این کانون پر مهر، فرزندان به نحو مطلوبی رشد کرده و به بالندگی می‌رسند. هیچ مکانی نمی‌تواند نیازهای عاطفی و تربیتی فرزندان را همانند خانواده برآورده سازد؛ زیرا محبت به فرزندان امری درونی است که خداوند آن را در دل پدر و مادر به ودیعت نهاده است؛ اما آنچه در این میان مهم است و آثار تربیتی در پی دارد، ابراز آن است. چه بسیارند والدینی که در برابر فرزندان خود محبت فراوان دارند، اما آن را ابراز نمی‌کنند. محبت وقتی تأثیرگذاری بیشتری دارد که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد.

امام حسین علیه السلام در قالب‌های گوناگون به ابراز محبت می‌پرداخت؛ گاه با در آغوش گرفتن و به سینه چسبانیدن خردسالان، گاه با بوسیدن آنان و گاه با بیان کلمات محبت‌آمیز. عبیدالله بن عتبه می‌گوید: نزد حسین بن علی علیه السلام بودم که علی بن حسین وارد شد. حسین علیه السلام امام سجاد علیه السلام را صدا زد، در آغوش گرفت و به سینه چسبانید، میان دو چشمش را بوسید و سپس فرمود: پدرم به فدایت باد، چقدر خوشبو و زیبا هستی.^۲

روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جمعی از مسلمانان در نقطه‌ای نماز می‌گزارد. هنگامی که آن حضرت به سجده رفت، حسین علیه السلام که آن موقع کودک خردسالی بود، در پشت پیغمبر صلی الله علیه و آله سوار شد و به پاهای خود حرکت داد و هی هی کرد. وقتی پیغمبر خواست سر از سجده بردارد او را گرفت و کنار خود به زمین گذارد.

۱. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۶۸.

۲. خزاز رازی، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، ص ۲۳۴.

باز در سجده‌های دیگر این کار تکرار شد تا اینکه نماز به پایان رسید. مرد یهودی که ناظر این صحنه بود، پس از نماز به حضرت عرض کرد: «شما با کودکان خود طوری رفتار می‌کنید که ما هرگز چنین نمی‌کنیم». پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جواب فرمودند: «اگر شما به خدا و رسول او ایمان می‌داشتید، با کودکان خود به عطف و مهربانی رفتار می‌کردید». مهر و محبت پیغمبر اسلام با یک کودک، چنان آن مرد یهودی را تحت تأثیر قرار داد که از صمیم قلب، آیین مقدس اسلام را پذیرفت.^۱

گفتنی است که از افراط و تفریط در محبت به فرزندان باید پرهیز نمود؛ زیرا محبت و نوازش‌های بی حساب و کتاب، مانع برخورد فرزندان با سختی‌های زندگی می‌شود و کودک با کوچک‌ترین حادثه از پا در می‌آید.^۲ امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت نسبت به فرزندان از حد مناسب تجاوز کنند و بدترین فرزندان کسانی هستند که در اثر تقصیر و کوتاهی در انجام وظایف، عاق پدر شوند».^۳

۵. احترام به فرزند

یکی از خواسته‌های طبیعی نوجوانان و جوانان این است که به شایستگی مورد تکریم دیگران قرار گیرند و پدران و مادران در معاشرت و تمام شؤون زندگی با آنان مانند بزرگسالان برخورد کنند. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ؛ فرزندان خود را احترام نمایید و آنان را نیکو تربیت کنید».^۴ امام

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۶.

۲. ر.ک: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۷۵۰-۷۵۵.

۳ ابن یعقوب، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

۴. طبرسی، مکارم الأخلاق، ص ۲۲۳.

رضا علیه السلام نیز می فرماید: «أَجْمَلُ مُعَاشَرَتِكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ؛ بر خورد و معاشرت خود را با کوچک و بزرگ زیبا گردان».^۱

فرزندان نیازمند احترام اند، اگر با نوجوانی رفتار کودکانه شود سخت ناراحت و آزرده خاطر می شود؛ زیرا احساس می کند که دیگران هنوز او را به چشم کودک می نگرند و حاضر نیستند با وی معامله یک انسان بالغ و کامل کنند.^۲ بر اساس این، مهم ترین وظیفه والدین نسبت به فرزندشان آن است که با احترام گذاشتن به او، همواره شخصیت فردی و اجتماعی او را حفظ کنند و او را در میان همسالان و همبازی هایش خوار نکنند.

روزی امام حسن و امام حسین علیه السلام نزد پیامبر رفتند. پیامبر به احترام آن ها از جای برخاست و به انتظار ایستاد. پیامبر صلی الله علیه و آله همچنان منتظر ایستاده بود. سرانجام رسول اکرم صلی الله علیه و آله به طرف آن ها رفت، بغل باز کرد، هر دو را بر دوش خود سوار نمود و به راه افتاد، در حالی که می فرمود: «فرزندان عزیزم، مرکب شما چه خوب مرکبی است و شماها چه سواران خوبی هستید!».^۳

۶. تشویق

یکی از شیوه های تربیتی، تشویق است. تشویق متناسب با فعالیت انجام شده، منجر به ایجاد انگیزه در فرد می شود و به تقویت رفتار می انجامد. چه بسا فرزندان از ارزش و استعداد خود آگاهی نداشته، خویش را ناچیز می شمارند؛ از این رو والدین باید ویژگی های مثبت فرزندان را شناسایی و کشف کنند. در اسلام، بر تشویق فرزندان هنگام بروز فضایل اخلاقی تأکید شده است. امام

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۵۴.

۲. محمدتقی فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱، ص ۴۳۵.

۳. علامه مجلسی، بحار الانور، ج ۳۷، ص ۸۷.

سجاد علیه السلام فرمود: من به بیماری مبتلا شدم. پدرم بر بالینم آمد و فرمود: «مَا تَشْتَهِي فَقُلْتُ أَشْتَهِي أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ لَا أَفْتَرِحُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي سَوَى مَا يُدْبِرُهُ لِي فَقَالَ لِي أَحْسَنْتَ صَاهَيْتَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عليه السلام حَيْثُ قَالَ لَهُ جَبْرَيْلُ هَلْ مِنْ حَاجَةٍ فَقَالَ لَا أَفْتَرِحُ عَلَى رَبِّي بَلْ حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ؛ چه خواسته‌ای داری؟ عرض کردم: دوست دارم از کسانی باشم که درباره آنچه خداوند برایم تدبیر کرده، چیزی نپرسم! پدرم در مقابل این جمله به من آفرین گفت و فرمود: تو مانند ابراهیم خلیلی، به هنگام گرفتاری جبرئیل نزدش آمد و پرسید: از ما کمک می‌خواهی؟ او در جواب فرمود: درباره آنچه پیش آمده از خداوند سؤال نمی‌کنم. خداوند مرا کافی است و او بهترین وکیل است.»^۱

روزی یکی از بچه‌های اقوام امام، پیش ایشان رفت و نقاشی قشنگی را به امام نشان داد. امام به نقاشی او خوب نگاه کرد و از او پرسید: این نقاشی را خودت کشیده‌ای؟ بچه جواب داد: نه، نقاشی را کس دیگری کشیده، من فقط آن را رنگ زده‌ام. امام از صداقت بچه خیلی خوششان آمد و به او گفت: خیلی قشنگ رنگ‌آمیزی کرده‌ای. و یک جعبه مداد رنگی به بچه جایزه داد.^۲

۷. تربیت عملی

تربیت ابتدایی انسان با روش الگویی شکل می‌گیرد. کودک سال‌های نخست زندگی خود، همه کارهایش را از الگوهای پیرامون خود - در درجه اول پدر و مادر - الگوبرداری می‌کند؛ از این روش الگویی، در سازمان دادن شخصیت و رفتار کودک نقش بنیادی دارد. امام کاظم علیه السلام درباره تأثیر‌پذیری فرزندان از والدین می‌فرماید: «بَرُّوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا إِلَيْهِمْ فَإِنَّهُمْ يُطِئُونَ أَنْكُمْ تَرُزُقُونَهُمْ؛ به

۱. الراوندی، الدعوات، ص ۱۶۸.

فرزندان خود نیکی و احسان نمایید؛ زیرا آن‌ها می‌پندارند شما رزق آن‌ها را می‌دهید»^۱.

مؤثرترین عامل در تربیت اخلاقی و دینی فرزندان رفتارهای درست والدین است. در سیره تربیتی ائمه اطهار علیهم‌السلام تربیت با رفتار و عمل، بارزترین بعد تربیت است. فرزندان ائمه علیهم‌السلام با دیدن رفتار آنان الگو گرفته، عمل می‌کردند. شعیب بن عبدالرحمن خزائی می‌گوید: هنگامی که امام حسین علیه‌السلام در کربلا به شهادت رسید بر دوشش نشانه‌ای وجود داشت. از امام سجاد علیه‌السلام درباره آن پرسیدند. امام سجاد علیه‌السلام بسیار گریست و فرمود: این اثر بارهای غذایی است که پدرم بر دوشش حمل می‌کرد و به خانه‌های تهیدستان می‌برد.^۲

امام سجاد علیه‌السلام پیوسته این رفتار پدرش را مشاهده کرد و الگو گرفت؛ چراکه امام باقر علیه‌السلام فرمود: «پدرم، علی بن الحسین علیه‌السلام شب‌ها کیسه نان بر دوش حمل می‌کرد و به مستمندان صدقه می‌داد».^۳

والدین همواره باید مراقب باشند تا بین گفتار و عملشان تناقض به وجود نیاید؛ زیرا در غیر این صورت، اهداف تربیتی آنان محقق نخواهد.

ای که به من راستی آموزی خود در ره کج از چه نهی پا را
آموزگار خلق شدیم اما خود نشناختیم الف و با را

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۷۷.

۲. همان، ج ۴۴، ص ۱۹۱.

۳. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۱۵۳.